

نگاهی به صنعت نفت جهان در دهه ۱۹۹۰

فریدون برکشلی

مشاور وزیر نفت در امور بین الملل

علی رغم رکود نسبی اقتصاد جهانی طی دهه گذشته و پایین بودن تقاضا برای نفت در طول دهه ۱۹۸۰، دنیا شاهد افزایش تقاضای مصرف در حد بیش از یک میلیون بشکه در روز بود. افزایش تقاضای جهانی به همراه کاهش تولید و صادرات نفت خام کشورهای تولیدکننده غیر اوپک پس از سقوط قیمتها در سال ۱۹۸۶، تقاضایی معادل ده میلیون بشکه برای تولیدکنندگان عضو اوپک به دنبال آورد. به عبارتی از هنگام سقوط تقاضای نفت از سال ۱۹۸۶ تا کنون، تقاضا برای نفت خام اوپک از حدود ۱۵ میلیون بشکه به بیش از ۲۵ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است. البته اوپک هنوز ظرفیت تولید مازاد در اختیار دارد که بخش اصلی آن مربوط به نفت خام خارج شده عراق از بازار است. محبوبیت روزافزون گاز طبیعی به عنوان یک سوخت کارا و تمیز و یا تلاش در جهت افزایش تولید انواع انرژیهای جانمایی نیز، آثار منفی جدی بر روند مصرف دهه قبل نداشته است. شواهد کارشناسی نشان می دهد که رشد کند تقاضا در طول دهه گذشته و ادامه آن در دهه ۱۹۹۰ - که عمدتاً مربوط به رکود حاکم بر اقتصاد امریکا و جهان است - و سایر عوامل، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر کاهش تقاضا نداشته‌اند. لیکن، حتی با رشد فعلی تقاضای جهانی برای نفت و با توجه به روند رو به افزایش مصرف داخلی در کشورهای تولیدکننده نفت، تولید در اواسط دهه ۱۹۹۰ پاسخگوی تقاضای جهانی نخواهد بود.

مقاله حاضر سعی کرده تا مشکلات و محدودیتهای اصلی اقتصاد جهانی نفت در طول دهه ۱۹۹۰ را بررسی کرده و میزان سرمایه گذاری لازم در بخشهای بالادستی و پایین دستی و امکان دستیابی به آن را مورد ارزیابی قرار دهد.

اکتشاف و تولید

برآوردهای گوناگون از هزینه اکتشاف و استخراج نفت در نقاط مختلف جهان، ارقام متفاوتی را نشان می دهند. پایین ترین ارقام هزینه

گاز، در زمینه انرژی کاستیهای اساسی دارد و این، مشکلی است که تمامی شرکت کنندگان حاضر در سمینار را نگران ساخته بود. اینکه بهره‌وری انرژی در طول سالهای قبل و بعد از انقلاب در ایران رشد منفی داشته است، نگران کننده می باشد و از این رو، مدیر سمینار در جای جای صحبت‌های خود از به حداقل رساندن مصرف انرژی و صرفه جویی در آن سخن می گفت. در صورت پایین بودن نرخ برگشت سرمایه، استقراض خارجی بر روند توسعه اقتصادی کشور، تأثیر منفی خواهد گذاشت زیرا، به سبب نوسانات قیمت نفت در بازار جهانی نمی توان تنها با تکیه بر درآمد حاصل از فروش نفت خام به حل مشکلات فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی پرداخت و باید توجه داشت که قیمت نفت یک عامل بیرونی است و کشورهای صادرکننده، عامل تعیین کننده آن به شمار نمی آیند و این هشدار جدی است که اوپک در بازار جهانی نفت، نقش چندانی ندارد و این مصرف کنندگان هستند که بتدریج تحولات قیمت جهانی بازار نفت را تحت کنترل می گیرند.

مدیر طرح جامع انرژی، با توجه به این مکانیزم اساسی (کنترل قیمت نفت توسط مصرف کنندگان عمده انرژی) راه حل اساسی را بار دیگر در افزایش بهره‌وری عوامل تولید و صرفه جویی در مصرف انرژی می دانست.

آنچه توجه اساسی را برمی انگیزد و نگرانی را بیشتر می کند این است که ما محدودیتهای زیادی در اقتصادمان داریم که این محدودیتهای در آینده مشکل زا خواهند شد و اگر فکر جدی برای آن نشود با مخاطراتی مواجه خواهیم بود. و بنابراین، باید مسئله را جدی تر پنداشت و به چاره جویی اساسی تر پرداخت و از نظر مدیر طرح جامع انرژی، راه حل این است: باید در مصرف انرژی صرفه جویی کرد.



از مشکلات جدید صنعت نفت در سالهای آتی خواهد بود.

پالایش نفت

بر پایه مطالعات دبیرخانه اوپک در خلال سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، ظرفیت پالایش جهانی به میزان ۱۰ میلیون بشکه در روز کاهش یافته است. دلیل این امر، خارج از رده بودن پالایشگاههای فرسوده و فاقد کارایی فنی-که عمدتاً طی دهه ۱۹۷۰ ساخته شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند- و نیز عدم انجام سرمایه‌گذاریهای جدید برای احداث و یا بازسازی در دهه ۱۹۸۰ و خصوصاً پس از سقوط قیمت‌ها از سال ۱۹۸۶ است.

از سال ۱۹۹۱ تاکنون، ظرفیت اسمی پالایشی دنیا به طور کامل مورد استفاده قرار گرفته تا پاسخگوی مصرف رو به افزایش فرآورده‌های پالایشی باشد. کمبود ظرفیت در دهه ۱۹۹۰، می‌بایستی از طریق توسعه ظرفیتهای پالایشی موجود و احداث واحدهای جدید پالایشی جبران شود. این مطالعات نشان می‌دهند که در حال حاضر ظرفیت پالایشی معادل ۵ میلیون بشکه در روز در دست احداث و یا تکمیل است که ظرف پنج سال آینده مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت. کل ظرفیت مذکور- به استثنای ظرفیتی معادل نیم میلیون بشکه در روز- در خارج از امریکا و اروپای غربی قرار دارد و دلیل این امر نیز محدودیتهای ناشی از قوانین زیست‌محیطی و هزینه‌های بالای مترتب بر آن و همچنین، بازگشت اندک سود ناشی از سرمایه‌گذاری در صنعت پالایش، در کشورهای صنعتی است. البته تعدادی از پروژه‌های پالایشی در دست اجرا- نظیر یک طرح پالایشی عظیم در اندونزی- ممکن است به لحاظ مشکلات مالی متوقف و یا در ظرفیتی محدودتر تکمیل شود. در هر صورت، صنعت پالایش تا پایان قرن حاضر نیازمند توسعه و نوسازی خواهد بود.

هزینه احداث پالایشگاه در نقاط مختلف جهان متفاوت است. برخی از پالایشگاههای ساده را می‌توان با هزینه کمتر و در مدت زمان کوتاه‌تری ساخت. لیکن این قبیل پالایشگاهها چندان سودآور نیستند و از تنوع محصولات پالایشی محدودتری برخوردارند. کشورهایی که تأمین فرآورده‌های پالایشی را يك مقوله استراتژیک تلقی می‌کنند و به فرآورده‌های پرمصرف سوسید می‌پردازند، پالایشگاههای ساده ولی کم‌هزینه را ترجیح می‌دهند. در صورتی که طی دهه حاضر، ظرفیت پالایشی جدیدی معادل ۱۰ میلیون بشکه در روز نیاز داشته باشیم و همچنین با در نظر گرفتن تکنولوژی پیشرفته و دانش فنی پیچیده‌ای که لازمه احداث و فعالیت پالایشگاههای امروزی است، سرمایه مورد نیاز برای این کار حدود ۱۰۰ الی ۱۱۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. البته این تمامی مشکل نیست زیرا در شرایط حاضر و در دنیای جدید

تولید بر مبنای ۸ الی ۱۲ هزار دلار برای افزایش هر یک بشکه اضافی، مربوط به کشورهای اوپک حوزه خلیج فارس و بالاترین ارقام هزینه تولید، مربوط به کشورهای اطراف دریای شمال است که سرمایه‌گذاری برای تولید هر بشکه جدید را تا ۴۰ الی ۵۰ هزار دلار برآورد می‌کند. بر اساس پیش‌بینی‌های بالا، بدینانه‌ترین برآوردها، رقم ۲۵۰ میلیارد دلار است که توسط کارشناسان «بریتیش پترولیوم» ابراز شده است. بر پایه فرضیه‌های مختلف و روشهای محاسبه، این تخمین‌ها تا سطح ۹۰ میلیارد دلار پایین آمده است. دبیرخانه اوپک، میزان سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید کشورهای عضو اوپک تا سطح ۳۱ الی ۳۲ میلیون بشکه در روز را تا سال ۲۰۰۰ میلادی، معادل ۶۰ الی ۷۰ میلیارد دلار برآورد کرده است.

حمل و نقل دریایی و خطوط لوله

بر اساس منابع و مبادی عرضه نفت خام و تقاضا برای حمل و نقل دریایی نفت و فرآورده‌های نفتی (برحسب تن به میل دریایی)، ناوگان نفتکش جهان می‌بایستی از ۲۳۰ میلیون تن در سال ۱۹۹۱ به ۲۸۰ میلیون تن در سال ۲۰۰۰ گسترش یابد. علاوه بر ضرورت افزایش ۵۰ میلیون تن به ظرفیت حمل و نقل دریایی نفت و انواع فرآورده‌های نفتی، به طور قطع باید در زمینه بازسازی و جایگزینی نفتکشهای فرسوده و مستعمل نیز سرمایه‌گذاری شود. مطابق برآوردهای کارشناسان شرکت بیمه دریای لویدز، تقریباً تمامی نفتکشهایی که قبل از سال ۱۹۷۵ ساخته شده‌اند و نیز حدود ۶۰ درصد نفتکشهای مورد استفاده که طی سالهای ۱۹۷۵-۱۹۷۹ مجموعاً با حدود ۱۵۰ میلیون تن ظرفیت مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند، ضروری است که تا قبل از پایان دهه حاضر جایگزین شوند. به عبارت دیگر، ضروری است تا قبل از سال ۲۰۰۰، نفتکشهایی با ظرفیت تقریبی ۲۰۰ میلیون تن ساخته شوند. چنانچه بخواهیم بر اساس استانداردهای جدید زیست محیطی و ایمنی- که از ۱۹۸۹-۱۹۹۵ به مرحله اجرا در می‌آیند و طبق آن نفتکشها لازم است به صورت دو جداره ساخته شوند- محاسبه کنیم، می‌بایستی بر مبنای ۵۵۰ الی ۶۰۰ دلار در هر تن، حدود ۱۲۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در امر صنعت حمل و نقل دریایی صورت گیرد.

در ارتباط با خطوط لوله میانگین، هزینه لازم برای احداث خط لوله جدید در خشکی در حال حاضر سی هزار دلار در میل است. اگر پایه محاسبه را حدود ۵۰ هزار میل خط لوله نفت و فرآورده نفتی به شمار بیاوریم، کل سرمایه مورد نیاز برای احداث خطوط لوله خشکی منطبق با افزایش جابه‌جایی نفت و فرآورده‌های نفتی حدود ۱۸۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. بدیهی است که هزینه احداث خطوط لوله دریایی از این مقدار هم بالاتر است. به این ترتیب، جابه‌جایی و انتقال نفت یکی دیگر

پالایش، به منظور تولید فرآورده‌های نفتی با ویژگیها و مشخصات منطبق با استانداردهای امروزی و رعایت مقررات زیست‌محیطی، لازم است پالایشگاهها را با شرایط خاصی احداث کرد که مسلماً هزینه‌های اضافی را به دنبال می‌آورد.

مهندسین شرکت نفت آشلند، سرمایه‌گذاری لازم برای تولید بنزین رفورموله (بدون سرب) با مقررات تازه زیست‌محیطی در امریکا را حدود ۴۲-۴۳ میلیارد دلار برآورد کرده‌اند. چنانچه سایر کشورها بخواهند فقط استانداردهای مصرف بنزین خود را به سطح امریکا برسانند، می‌توان هزینه‌های بالای آن را نیز تخمین زد. البته تولیدکنندگان اوپک در حال حاضر با مشکل حادی در زمینه پالایش مواجه نیستند.

حال که سایر زمینه‌ها نیز اهمیت بالایی دارند. تولیدکنندگان اوپک شدیداً نیازمند سرمایه برای توسعه و بازسازی صنایع نفت خود و افزایش ظرفیت تولید برای صادرات بیشتر و کسب درآمد هستند، زیرا که تأمین سرمایه لازم برای توسعه اقتصادی و نیز افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، در گرو بالا بردن توان صادراتی است. اعضای اوپک از سه راه و یا ترکیبی از شیوه‌های زیر می‌توانند منابع مالی لازم برای افزایش ظرفیت تولید و توسعه صنعت نفت خود را کسب کنند:

الف - درآمدهای نفتی حاصل از تولید و صادرات

به‌طور قطع هر کشوری تنها می‌تواند درصد معینی از درآمد نفتی خود را به توسعه صنعت نفت اختصاص دهد. به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی، اغلب کشورهای عضو اوپک می‌توانند حتی در بهترین شرایط، تنها درصدی از درآمد نفتی خود را صرف افزایش ظرفیت تولید کنند.

ب - استفاده از وام و اعتبارات خارجی

با توجه به رکود نسبی اقتصاد جهانی، کمبود نقدینگی و تزلزل سیستم پولی بین‌المللی و سود اندک سرمایه‌گذاری در صنعت نفت، نسبت به زمینه‌های جدید سرمایه‌گذاری در بلوک شرق سابق و کشورهای جدیداً صنعتی شده و شرق آسیا و نیز تجربه ظاهراً ناموفق بانکهای کشورهای صنعتی در امر اعطای اعتبارات به ممالک جهان سوم، افق چندان روشنی در این مورد به چشم نمی‌خورد.

ج - مشارکت شرکتهای نفتی خارجی

در طول دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، کشورهای نفت‌خیز، مالکیت بر منابع و ذخایر نفتی را مینا و محور بسیاری از آرمانها و مبارزات سیاسی خود علیه سلطه شرکتها و دولتهای بیگانه قرار داده بودند و اینک، دعوت از همان شرکتها برای توسعه صنعت نفت و افزایش ظرفیت تولید، نوعی عملکرد ارتجاعی محسوب می‌شود و مشکلات سیاسی و اجتماعی خاص خود را به همراه خواهد داشت. به صورت سنتی، کشورهای تولیدکننده نفت خام و از جمله اعضای

ذخیره‌سازی، توزیع و بازاریابی

احداث تأسیسات و تجهیزات ذخیره‌سازی نفت خام و فرآورده‌های آن، نسبتاً کم‌هزینه است. با انجام حدود ۱۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری می‌توان تأسیساتی با گنجایش ۱۰ میلیون بشکه در روز - که برابر با سی روز ذخیره‌سازی است - احداث کرد. اما مراحل مربوط به شبکه توزیع و بازاریابی، سرمایه‌گذاری بیشتری را می‌طلبد. با توجه به اینکه حدود ۴۰ درصد هر گونه تقاضای اضافی نفت برای تأمین سوخت و وسایط نقلیه است، سرمایه‌گذاری لازم برای احداث ایستگاههای خدماتی، پمپ‌بنزینها و دیگر تأسیسات پشتیبانی، در حدود ۸۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. علاوه بر این، ضروری است که به مرور زمان تأسیسات و سیستمهای موجود نیز نوسازی شوند. انستتوی نفت امریکا، هزینه جهانی مورد نیاز برای این کار را تا ۲۰۰ میلیارد دلار برآورد کرده است. گذشته از صنعت پتروشیمی که خود بسیار پیچیده و سرمایه‌طلب است و یا برخی از اقلام حاشیه‌ای و کم‌اهمیت که در این بررسی از آن صرف نظر شده، کل سرمایه‌گذاری مورد نیاز صنعت بین‌المللی نفت تا سال ۲۰۰۰، می‌تواند به راحتی به مرز یک هزار میلیارد دلار برسد.

اکنون سؤال اساسی و مهم این است که با توجه به کمبود بین‌المللی سرمایه و رکود اقتصاد جهانی از یک سو و نرخ اندک بازگشت سرمایه در صنعت نفت از سوی دیگر، هزینه‌های لازم برای توسعه و بازسازی تا سال ۲۰۰۰ چگونه تأمین خواهد شد؟ به طور قطع، صنعت نفت جهان در طول تاریخ خود با چنین بحرانی مواجه نبوده است. تا آنجا که به کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت به طور عام و کشورهای عضو اوپک به طور خاص مربوط می‌شود، مشکل سرمایه‌گذاری عمدتاً در زمینه‌های اکتشاف و تولید، حمل و نقل و ذخیره‌سازی است. در عین

● از هنگام سقوط تقاضای نفت از سال ۱۹۸۶ تا کنون، تقاضا برای نفت خام اوپک از حدود ۱۵ میلیون بشکه به بیش از ۲۵ میلیون بشکه در روز افزایش یافته است.

عمده مساعی خود را جهت بازسازی قسمتهای آسیب دیده از حملات نظامی به کار گرفت. در مورد عراق، بدنه اصلی صنعت نفت آن کشور در طول جنگ صدمه چندانی ندید و عمدتاً ترنیمالهای صادراتی بندری نبود شدند که با حمایتهای جهانی توانست توان صادراتی خود را از حدود یک میلیون بشکه در روز در اوایل دهه ۱۹۸۰، به حد سه میلیون بشکه در روز تا قبل از شروع جنگ خلیج فارس بالا ببرد. در هر صورت هر دو کشور برای افزایش ظرفیت بیش از یک حد معین و نوسازی صنایع نفت حویش با امکانات و منابع داخلی، مشکلاتی خواهند داشت. ضمن آنکه هر دو کشور به لحاظ قوانین نفتی داخلی از یکسو و جو مخالف بین المللی از سوی دیگر، نمی توانند از اعتبارات و مشارکتهای خارجی بهره بگیرند. البته عراق اکنون در وضعیتی قرار دارد که شاید هر نوع پیشنهاد خارجی را پذیرا باشد. در رابطه با جمهوری اسلامی ایران، افزایش سریع مصرف داخلی عامل مهمی در کاهش صادرات خواهد بود.

در دسته سوم، ونزوئلا تولیدکننده عمده دیگر اوپک از مشکلات اقتصادی شدید رنج می برد و رقم بدهیهای خارجی این کشور به سرعت بالا می رود و لذا به لحاظ تجهیز منابع مالی داخلی برای توسعه صنعت نفت خود با مشکلات عمده ای دست به گریبان است. در این کشور که زمانی از پیشگامان ملی سازی صنعت نفت و درحقیقت پایه گذار اصلی سازمان اوپک برای حفظ منافع تولیدکنندگان و صادرکنندگان نفت بود، اینک محدودیت قانونی و یا سیاسی داخلی و یا بین المللی در ارتباط با استفاده از منابع خارجی و دعوت از شرکتهای نفتی، وجود ندارد. در همین ارتباط، مشکل اصلی صنعت نفت ونزوئلا نوع نفت خام آن کشور است که عمدتاً سنگین است و پالایشگاهها، تمایل کمتری نسبت به مصرف آن نشان می دهند.

کشورهای عضو اوپک با ذخایر محدود

این گروه از کشورها مانند الجزایر، لیبی، نیجریه و اندونزی، با توجه به مشکلات و محدودیتهای مالی داخلی، برای جذب سرمایه های خارجی دست به تلاش و حتی رقابت شدید با یکدیگر زده اند. حتی

اوپک را به دو گروه تولیدکنندگان دارای ذخایر بالا و تولیدکنندگان دارای ذخایر محدود، تقسیم می کنند. گذشته از جنبه های سیاسی، هر گروه از تولیدکنندگان با توجه به عمر ذخایر قابل دسترسی، از سیاستهای نفتی متفاوتی پیروی می کنند. در ارتباط با مسائل مربوط به سرمایه گذاری و افزایش ظرفیت، گروه کشورهای دارای ذخایر بالا را می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱- عربستان - کویت

۲- جمهوری اسلامی ایران - عراق

۳- ونزوئلا

کشورهای دسته اول (عربستان و کویت) با جمعیت کم، اقتصاد محدود و توان تولیدی بالا، به احتمال قوی قادر خواهند بود که هزینه های لازم برای افزایش تولید را از منابع و درآمدهای نفتی خود تأمین کنند. البته پس از اشغال کویت و جنگ خلیج فارس، هر دو کشور با مسائل اقتصادی تازه ای مواجه شده اند. هزینه های بازسازی کویت و مخارج تسلیحاتی هر دو کشور که اینک در خریدهای تسلیحاتی از امریکا به ترتیب مقامهای اول و دوم را دارند، محدودیتها و مشکلات مالی جدی برای این دو کشور به همراه آورده است، ولی با این حال دیدگاههای کارشناسی نشان می دهند که عربستان و کویت در سالهای باقیمانده دهه ۹۰، توانایی تأمین هزینه های سرمایه ای لازم برای افزایش تولید خود را خواهند داشت. در عین حال هر دو کشور با توجه به شرایط و ویژگیهای سیاسی - اقتصادی، علاقه مند و قادر به جذب سرمایه های خارجی در صنعت خود نیز هستند. عربستان و کویت در فعالیتهای پایین دستی در کشورهای صنعتی نیز مشارکتهایی دارند. درحقیقت، همین دو کشور هستند که به «جنگ ظرفیتهای» در سازمان اوپک دامن زده اند.

کشورهای دسته دوم در گروه تولیدکنندگان دارای ذخایر بالا (جمهوری اسلامی ایران و عراق) هر دو برای تأمین سرمایه لازم برای افزایش و حفظ ظرفیت تولید و توسعه صنایع نفت خویش با مشکلاتی مواجه هستند. ایران در طول هشت سال جنگ تحمیلی که طی آن دشمن نابودی صنعت نفت کشور را در رأس اهداف نظامی خود قرار داده بود، برای توسعه متناسب صنعت نفت خود مجال کافی پیدا نکرد و

اوپک و بازار نفت

قیمتهای فعلی نفت خام، درحقیقت علائم نادرست و گمراه کننده‌ای را به بازار نفت و سرمایه‌گذاران نشان می‌دهند. به طوری که اشاره شد تقاضا برای نفت خام اوپک به عنوان تأمین کننده نهایی نیاز بازار در فاصله سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۳، حدود ده میلیون بشکه در روز افزایش یافت. این سطح از تولید، به اوپک امکان داده تا بخش مهمی از بازار از دست رفته خود را نسبت به سالهای ۱۹۷۹ - ۱۹۸۰، باز پس گیرد. این اتفاق نظر وجود دارد که طی دهه جاری، تنها اوپک پاسخگوی تمامی تقاضای بازار جدید نفت خواهد بود. با توجه به روند قیمتها و شرایط جاری بازار، اوپک طی سالهای ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷، حدود ۳۰ تا ۳۱ میلیون بشکه نفت در روز روانه بازارهای جهانی خواهد کرد که معادل بالاترین سطح تولید تاریخ اوپک در دو مقطع سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ است که شوکهای نفتی به وقوع پیوستند.

ذکر این نکته ضروری است که از اوایل دهه ۱۹۸۰ تاکنون، کاهش نسبی مصرف نفت صرفاً به لحاظ وضعیت نامساعد اقتصاد جهانی بوده و نقش برنامه‌های جایگزینی، بهبود کارایی و صرفه‌جویی انرژی، در این کاهش بسیار ناچیز بوده است. به عبارت دیگر، اینک در بیش از یک دهه، کاهش نسبی مصرف هر بشکه نفت، درحقیقت هزینه‌ای بیش از مصرف نفت با قیمتهای جاری را می‌طلبد و با وجود قیمتهای فعلی نفت به صرفه نیست و در صورتی که شرایط اقتصاد جهانی بهبود نسبی پیدا کند، رشد تقاضا برای نفت بالا می‌رود. از طرف دیگر، دسترسی به یک حد از ظرفیت تولید در یک مقطع، الزاماً به معنای تداوم آن نیست. حفظ توان تولید در گرو سرمایه‌گذارهای جدید و استفاده از تکنولوژی پیشرفته بوده و حتی گاهی مشکل‌تر از کسب ظرفیت تازه است.

این درست است که اعضای توانمند اوپک اینک در رقابتی سخت برای افزایش ظرفیت تولید گرفتار آمده‌اند ولی در واقع، تولیدکنندگان اوپک به طور جمعی با هر بشکه افزایش ظرفیت جدید، امنیت عرضه بیشتری را ایجاد می‌کنند که عامل اصلی تضعیف بازار در کوتاه‌مدت و میان‌مدت خواهد بود. به عبارت دیگر، در شرایطی که ضریب امنیت

کشورهایی نظیر الجزایر و لیبی که سالیان دراز سیاستهای نفتی خود را با اهداف ایدئولوژیکی و سیاسی در هم آمیخته بودند با ایجاد تغییراتی در قانون نفت خود، سرمایه‌گذارهای خارجی را برای توسعه ظرفیت تولید جلب کرده‌اند. البته با توجه به پایین بودن سطح ذخایر نفتی، بازده عملیات ازدیاد تولید محدود و به همین نسبت، علاقه‌مندی سرمایه‌گذاران نیز کمتر است.

تولیدکنندگان غیر اوپک

دو تولیدکننده اصلی غیر اوپک یعنی امریکا و شوروی سابق - که مجموعاً حدود بیست میلیون بشکه در روز تولید دارند - دارای مصرف بالا و فزاینده‌ای هستند. ذخایر نفتی امریکا تحلیل رفته و سالهای پایانی عمر خود را می‌گذرانند. قوانین زیست محیطی سخت نیز به نوبه خود سرمایه‌گذارهای جدید را غیراقتصادی می‌سازد. در ارتباط با شوروی سابق، براساس دیدگاههای اکثر کارشناسان، افق روشنی در بهبود وضعیت تولید دیده نمی‌شود و ظاهراً مشکل کاهش تولید، تنها مسئله دوره انتقال و تشهای ناشی از آن و سوء مدیریتها نیست. در رابطه با دیگر تولیدکنندگان نفت، می‌توان از دریای شمال (نروژ و انگلیس) نام برد که اینک به حداکثر توان واقعی تولید خود رسیده و از اواسط دهه ۱۹۹۰ افول خواهد کرد. چین و مکزیک که براساس برآوردهای قبلی، احتمال می‌رفت که افزایش قابل ملاحظه‌ای در ذخایر و تولید آنان به چشم بخورد، نشان داده‌اند که پیش‌بینیها واقع‌بینانه نبوده و به کشف ذخایر بیشتر نمی‌توان امیدوار بود. چین با مصرف داخلی بالا رو به روست و افزایش تولید در مکزیک نیز با وجود قیمتهای جاری نفت خام، نمی‌تواند امیدی به جلب سرمایه‌گذارهای جدید داشته باشد. بالاخره باید گفت که تقاضای جهانی برای نفت در طول دهه ۱۹۹۰، با افزایش سالیانه حدود یک میلیون بشکه در روز روبه روست که اوپک قادر خواهد بود در سطح فعلی ظرفیتها تا سالهای ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ کسری آن را تأمین کند ولی افزایش آن تا سطح تقاضای سالهای پایانی دهه و نیز تداوم آن، نیازمند سرمایه‌گذارهای هنگفتی است که به حد کافی در دسترس تولیدکنندگان نیست.

● دبیرخانه اوپک، میزان سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید کشورهای عضو اوپک تا سطح ۳۱ الی ۳۲ میلیون بشکه در روز را تا سال ۲۰۰۰ میلادی، معادل ۶۰ الی ۷۰ میلیارد دلار برآورد کرده است.

گذشته در دو گروه طرفداران قیمت و طرفداران تولید در درون سازمان، سیاستهای مشخصی را دنبال می‌کردند، اینک در یک گروه طرفدار درآمدگرد آمده‌اند و برای کسب سهم بیشتری از بازار با یکدیگر به مبارزه پرداخته‌اند.

شرایط جاری بازار نفت، مشابهتهای زیادی با وضعیت بازار نفت در آستانه شوک اول نفتی دارد. گزارشهای منتشره توسط کمیسیونهای محیط زیست سازمان ملل، یادآور گزارشهای کلوپ رم در اوایل دهه ۱۹۷۰ است. در آن مقطع نیز، کشورهای مصرف‌کننده می‌کوشیدند تا با یادآوری زیانهای ناشی از مصرف بی‌رویه سوختهای فسیلی و اتخاذ سیاستهای انرژی ضدنفتی، تقاضا را تحت کنترل قرار دهند. البته این قبیل سیاستها، موجب به تأخیر انداختن بحران می‌شود ولی امکان وقوع آن را کاملاً از بین نخواهد برد.

منابع

- 1- Long - Term Oil Strategy - Creating appropriate fiscal regime in OPEC countries to keep the upstream sector competitive; by M.A. Olorunfemi, OPEC secretariat July, 1992.
- 2- OPEC's production capacity in the 1990s; Separating Fact From Fiction; Annual energy seminar, March, 1992.
- 3- OPEC: Facts and Figures, October, 1992.
- 4- Oil industry investment needs in the 1990s; Petroleum Weekly (PIW), January, 13, 1992.
- 5- Trading in oil futures, survey; Petroleum Economist, February, 1989.
- 6- OPEC Bulletins, March 1993 and May 1993.
- 7- Energy in Japan, special edition; The Institute of Energy Economics, Japan, February 1990.

عرضه به هزینه تولیدکنندگان، فارغ از هر گونه ریسکی از سوی مصرف‌کننده افزایش یابد، نمی‌توان انتظار افزایش قیمتی را داشت. لیکن این وضعیت در بلندمدت به زیان مصرف‌کننده نیز خواهد بود. سؤال اصلی این است که مسؤلیت تأمین عرضه نفت و افزایش ظرفیت تولید برای پاسخگویی به تقاضایی که متوجه کشورهای صنعتی است به عهده کیست؟ تولیدکننده یا مصرف‌کننده؟ بی‌شک عرضه نفت و مسؤلیت امنیت آن از طریق افزایش مداوم ظرفیت تولیدی، تا بدانجا به تولیدکننده مربوط می‌شود که قیمت متناسب با افزایش تدریجی تولید و سود کافی از سرمایه‌گذاری در عملیات بالادستی را به دست آورد. قیمت ۱۸ دلاری که در اجلاس اوپک سال ۱۹۸۷ و به دنبال بازگشت عراق به نظام سهمیه‌بندی سازمان اوپک مورد توافق وزرای نفت کشورهای عضو سازمان اوپک قرار گرفت، به استثنای چند مقطع کوتاه - از جمله در آغاز جنگ اخیر خلیج فارس - هرگز تحقق پیدا نکرد و علاوه بر آن، تورم جهانی و نوسانات ارزش دلار نیز بخش مهمی از ارزش واقعی آن را کاهش داده است.

درواقع، امنیت عرضه نفت در جهان امروز یک مسؤلیت جمعی است که می‌بایستی از سوی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان مورد توجه قرار گیرد. تولیدکننده در شرایطی نسبت به افزایش ظرفیت تولید انگیزه پیدا خواهد کرد که از بازار مصرف و قیمت منطقی اطمینان یابد. در شرایطی که مصرف‌کنندگان اصلی نفت با انواع تهدیدها نظیر سیاستهای محیط زیستی و مالیات کربن و تعرفه واردات، به طور غیرواقعی و در نهایت استیصال، رُست بی‌نیازی به نفت و فرآورده‌های نفتی را می‌گیرند، تولیدکنندگان نفت نباید به چنین رقابت بی‌حاصلی برای افزایش ظرفیت دست زنند. از سوی دیگر، مصرف‌کنندگان نیز این حق را دارند که با توجه به اهمیت حیاتی نفت، در شرایطی منصفانه از امنیت عرضه نفت طی سالهای آتی اطمینان یابند. در حقیقت، بحث همکاری تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در چنین چارچوبی مفهوم درست خود را پیدا می‌کند.

با توجه به گفته‌های بالا و نیز مشکلات سرمایه‌گذاری بین‌المللی ناشی از سطح نازل قیمت‌های نفت، اوپک طی سالهای ۱۹۹۶ - ۱۹۹۷ به حداکثر توان تولید خود یا به سطح نزدیک به آن خواهد رسید که زمینه یک بحران نفتی خواهد شد که براساس تجارب تاریخی صنعت نفت، در نهایت به سود هیچ یک از طرفین بازار نخواهد بود. از اواخر دهه ۱۹۸۰ تاکنون، استنباط رایج چنین بوده است که قیمت‌گذاری نفت از دست اوپک خارج شده و بازار و مکانیزمهای آن به ایفای نقش طبیعی و منطقی خود پرداخته است. در حقیقت، بازار در سالهای اخیر علائم گمراه‌کننده‌ای را به صنعت نفت می‌فرستد و خود نیز نشانه‌های نادرستی را از آن دریافت می‌کند. تولیدکنندگان اصلی اوپک که در